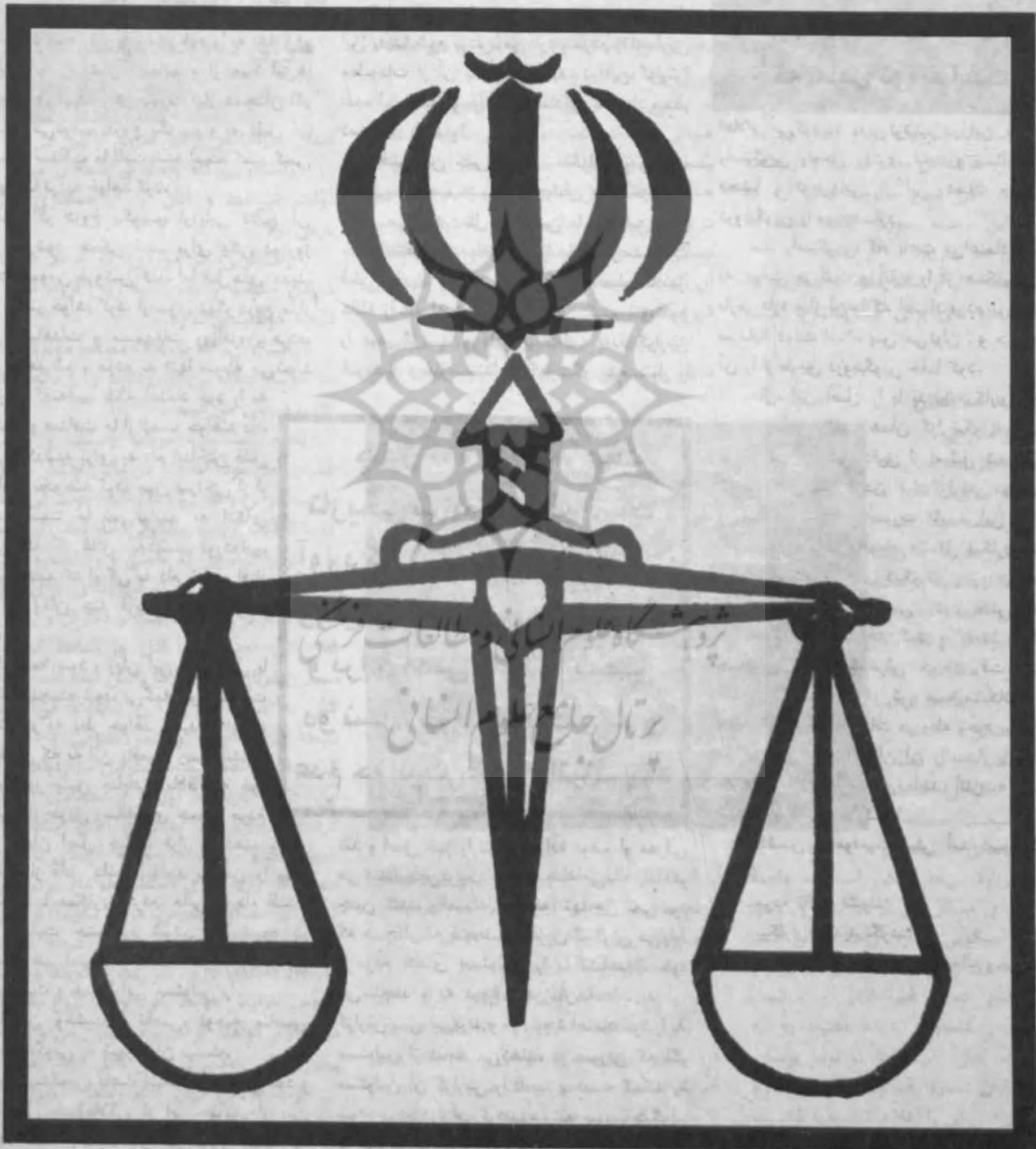


# اجرای مجازات؛ آشکار یا پنهان

ناصر قربان نیا



یکی از مسائل مهم فقهی، حقوقی کیفیت اجراء مجازات است در باب کیفیت و شیوه اجرای حدود و تعزیرات مسائل مختلفی مطرح می‌شود. یکی از موارد مورد نیاز جامعه ما، که مع‌الأسف چهره سیاسی نیز به خود گرفته، مسأله اجرای علنی مجازات است.

بی‌تردید برای اثبات یا انکار این شیوه اجراء باید افزون بر جهات فقهی، حقوقی به مسائل جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روانشناسی و نیز مسائل فردی و اجتماعی و مادی و معنوی توجه داشت، اما نه تنها سیاسی کردن بحث فایده‌ای ندارد، بلکه می‌تواند آثار منفی بر جای گذارد که قطعاً با روح تحقیق و حقیقت منافات دارد.

پیرامون مسأله اجرای علنی مجازات‌ها سوالات عدیده‌ای مطرح است که بی‌تردید دستگاه قضایی و قضات ارجمند باید به آنها توجه نمایند:

آیا اجرای علنی مجازات‌ها مستند به ادله متقن و غیر قابل انکار است؟ آن ادله کدامند؟ آیا در قانون مجازات اسلامی یا تعزیرات، اجرای علنی پیش‌بینی شده است؟ فلسفه یا مبنای علنی بودن مجازات چیست؟ آیا اگر اهداف مورد نظر متحقق نشود باز هم باید بر آن اصرار شود؟ آیا اجرای علنی مجازات‌ها دارای مصلحت

لازم الاستیفایی است که هیچ مصلحت دیگری تاب مزاحمت با آن را ندارد و نمی‌تواند باعث نادیده انگاشتن آن شود؟ به فرض اینکه اجرای علنی مجازات‌ها مستند فقهی داشته باشد، آیا مخصوص حدود است؟ یا تعزیر نیز باید آشکارا اجرا شود؟ و آیا ادله موجود بر اجرای علنی مجازات در تمامی حدود دلالت دارند یا تنها در جرم و حد معین و خاصی است؟ آیا حاکم یا مقام اجرا در این باره تکلیف دارد تا به مردم اعلام کند و از آنان بخواهد که در هنگام اجرای حد حضور یابند یا مردم خود مکلف در حضورند؟ مردم

چيست؟ حضور چه تعدادی از مردم لازم است؟ مردم چگونه باید حضور یابند؟ بصورت شناخته شده یا ناشناس؟ اگر حضور مردم آثار مخرب و سوء روانی-اجتماعی بر جای گذارد می‌توان آن را نادیده گرفت یا نه؟

اگر اجرای حدود به طور آشکار موجب وهن دین شود، می‌توان آن را کنار نهاد؟

پیش از پرداختن به مسأله اصلی، لازم است، چند نکته به عنوان پایه‌های این بحث فقهی مورد توجه قرار گیرد: هر چند فقیهان، به فقه به صورت مسأله محوری نگریسته‌اند اما اسلام نظامی است که مسائل، قواعد و اصول به

هم پیوسته‌ای دارد و هر یک از مسائل آن در ارتباط وثیق با مسأله دیگر قرار دارد.

مجموعه‌های زیرین این نظام کلی، خود نظام دیگری را شکل می‌دهند و این نظامها، در کل، یک نظام گسترده‌ای بنام شریعت را می‌سازند؛ نظام فکری و اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، اقتصادی، حقوقی مدنی، حقوقی کیفری و مانند آن. به نظر می‌رسد، در صورت تعطیلی و بی‌توجهی به هر یک از این نظامها، اجرای تمام عیار نظام دیگر، دچار مشکل می‌شود. به عنوان مثال: اگر در جامعه‌ای نظام تربیتی اسلامی، به معنای دقیق کلمه اجرا نشود، در اجرای مقررات کیفری، بر اساس نظام کیفری اسلام، باید تردید کرد و یا اگر اقتصاد بر اساس آموزه‌های دینی جریان نداشته باشد و فقر و تورم و بی‌کاری و بیچارگی بیدار گنبد به سختی می‌توان پذیرفت که حقوق کیفری اسلام در قطع دست و پای سارق قابل اجرا باشد. این که نبودن قحطی را از شرایط اجرای حد سرفقت دانسته‌اند، می‌تواند مؤیدی بر این ادعا باشد.

از مسائل مسلم بین متکلمان و فقیهان امامیه این است که احکام بر مدار مصالح و مفاسد می‌گردد و معمولات شرع از مصالح و مفاسد موجود در متعلق خود تبعیت می‌کنند. بی‌تردید توجه به فلسفه و مبنای شریعت و اهداف کلی شارع از قانون‌گذاری و نیز احکام شرع را بر مصالح و حکمت‌ها مبتنی دانستن، تأثیری بس زرف و شگرف در استنباط احکام شرعی خواهد گذاشت. با آنکه علت بسیاری از احکام بویژه احکام عبادی دست‌نیافتنی است، از اینرو

بیشتر به حکمت احکام توجه می‌شود، فقیهانی از امامیه و عامه پیرامون علل احکام تالیفاتی ارائه کردند که از این میان می‌توان به کتب «العلل فضل بن شاذان»، «العلل محمد بن علی

## آیا اجرای علنی مجازات‌ها دارای مصلحت لازم الاستیفایی است که هیچ مصلحت دیگری تاب مزاحمت با آن را ندارد و نمی‌تواند باعث نادیده انگاشتن آن شود؟ به فرض اینکه اجرای علنی مجازات‌ها مستند فقهی داشته باشد آیا مخصوص حدود است؟

همدانی»، «العلل احمد بن محمد بن دول قمی» و «علل الشرایع و الاحکام شیخ صدوق» اشاره کرد.

بی‌تردید توجه به علل و مقاصد شریعت بدون عنایت به مصلحت امکان‌پذیر نیست. فقیهان اهل سنت توجه خاصی به عنصر مصلحت در استنباط احکام شرعی مبذول داشته‌اند. در فقه مالک بن انس، ابو حنیفه، شافعی و احمد بن حنبل مصلحت هر چند به نامهای مختلف مورد استفاده بی شمار قرار گرفته است. فقه‌های اهل سنت در نظام دادن به مصالح بسیار تلاش کرده‌اند. شاطبی در این میان نقش بیشتری ایفاء کرده است، هر چند برخی ابراهیم نخعی، از تابعان، را جلودار در این حرکت نظام‌مند سازی می‌دانند. عالمان اهل سنت در باب نقش مصلحت تالیفات قابل توجهی داشته‌اند، اهداف التشریح الاسلامی، المصلحة فی الشریعة الاسلامیة، المصلحة فی التشریح الاسلامی، التشریح و مقاصد الشریعة اثر محمد حسن ابویحیی، نجم‌الدین الطوفی، محمد بن تاووت، محمد انیس عبادة، یوسف حامد العالم و ابو اسحاق شاطبی را می‌توان از مهمترین آنها دانست.

یکی از مهمترین تهادهای حقوقی مهر جامعه، نظام کیفری آن است که قوانین و مقررات کیفری را در خود دارد. جرم‌انگاری، مجازات و شیوه اجرای مجازات باید با توجه به سیاست کیفری روشن انجام گیرد. ترسیم سیاست کیفری نیز بدون لحاظ مبنا و هدف کیفر، مبنای انسان‌شناختی و عدالت کیفری ره به جایی نمی‌برد.

بین اجرای علنی مجازات و اجرای مجازات در ملاء عام تفاوت آشکاری وجود دارد و هیچ دلیلی بر این معنا دلالت ندارد که مجازات باید (یا خوب است) در ملاء عام اجرا شود

تکلیف وجوبی دارند یا استحبابی؟ مجازات باید تنها علنی باشد یا در ملاء عام؟ کیفیت حضور

**اجرای مجازات در ملاء عام فاقد هر گونه  
مستند شرعی است و هیچ دلیلی وجود ندارد  
که باید مجازات در ملاء عام اجرا گردد  
بین علنی بودن مجازات و اجرای مجازات  
در ملاء عام تفاوت اساسی وجود دارد. اجرای  
علنی به این معنا است که مجازات در  
مکانی اجرا شود که اگر کسانی مایل به  
حضور باشند، بتوانند حضور یابند و کسی  
مانع حضور آنها نشود**

علل مهم سقوط مجازات، اصل برائت و قاعده زرین دفع به شبهه و مانند آن از این اصول است.

نگاه عمیق به پاره‌ای از نهادها و قواعد تعبیه شده در باب مجازات، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد، که در اسلام نفس مجازات مطلوبیتی ندارد و از اینرو اگر اهداف اساسی بدون کیفر تحقق پیدا کند، موجب سقوط کیفر می‌شود. بنابراین، این که می‌گویند بدون مجازات چگونه عدالت نامین می‌گردد هر چند متأسفانه از تئوری عدالت مطلقه کانت است ولی بی تردید بر اساس آموزه‌های دین موجب به نظر نمی‌رسد. از قضیه ماعز که نزد پیامبر خدا اقرار به زنا کرد و آن حضرت تلاش فرمودند تا وی را در اقرار مکرر مردد سازد و به طور غیر مستقیم به وی تفهیم نمایند که قضیه را کتمان کند (سنن البیهقی: ج ۸ / ص ۲۲۶)؛ و مواردی که از قضاوت‌های حضرت امیر(ع) منقول است، به خوبی می‌توان دریافت که مجازات مطلوبیت نفسی ندارد و همواره با آن عدالت محقق نمی‌گردد و گزینه فراهم کردن زمینه سقوط آن نیز روا نخواهد بود.

تکته حائز اهمیت این است که وقتی خود مجازات موضوعیت ندارد، آیا می‌توان برای شوه مجازات و مسائل حاشیه‌ای آن موضوعیت قائل شد؟

اینک به پاسخ پرسشهایی که در ابتدای بحث مطرح کردیم می‌پردازیم:

#### مجازات در ملاء عام

اجرای مجازات در ملاء عام فاقد هر گونه مستند شرعی است و هیچ دلیلی وجود ندارد که باید مجازات در ملاء عام اجرا گردد. بین علنی بودن مجازات و اجرای مجازات در ملاء عام تفاوت اساسی وجود دارد. اجرای علنی به این معنا است که مجازات در مکانی اجرا شود که اگر کسانی مایل به حضور باشند، بتوانند حضور یابند و کسی مانع حضور آنها نشود، ولی مجازات در

رحمت الهی اقتضای آن را دارد که هر چیزی که مصلحت آدمیان را تأمین می‌کند واجب شمرده شود و هر آنچه موجب زوال آن و جلب مفسده است حرام گردد و برای تضمین اجرا مجازات ملحوظ شود. مصالح حقیقی انسانها در حفظ دین، جان، عقل و خرد، نسل و مال آنان است که عالمان دین آن را در مرتبه مصالح ضروری قرار داده و تمامی ملل و نحل بر وجوب رعایت و حفظ آن اتفاق نظر دارند.

امام محمد غزالی در مورد مصالح پنجگانه پیش گفته، چنین آورده است: «فکل ما یتضمن حفظ هذه الاصول فهو مصلحة و کل ما یقوت هذه الاصول فهو مفسدة و دفعها مصلحة... و تحریم تقویت هذه الامور الخمسة و الزجر عنه یستحل الا تشتمل علیه ملة من الملل و شریعة من الشرائع التي ارید بها اصلاح الخلق و لذالم یختلف الشرائع فی تحریم الکفر و القتل و الزنا و السرقة و شرب المسکر» (المستصفی: ج ۱، ص ۲۸۷)

این تیمیه درباره کیفر، سخن قابل توجهی دارد:

«ان العقوبات شرعت رحمة من الله تعالی بعباده فهمی صادرة عن رحمة الخالق و ارادة الاحسان اليهم و لهذا ینبغی لمن یعاقب الناس علی ذنوبهم ان یقصد بذلك الاحسان اليهم كما یقصد الوالد تاهدیب ولده و كما یقصد الطیب معالجة المریض.»

از مبانی محکمی همچون رحمت، عدالت، مصلحت و حکمت می‌توان اصول مسلمی را استخراج کرد که بر مجازات‌های اسلامی حکومت می‌کنند: اصل رعایت تناسب بین جرم و مجازات، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل مسئولیت اخلاقی، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری، الغاء کیفر در صورت بروز مفسده، توجه به شخصیت مجرم، توجه به اصلاح مجرم، و توجه به توبه به عنوان یکی از

مبنای مجازات یا اندیشه اساسی‌ای که مجازات‌های اسلامی مستند و مبتنی به آن است از مبنای مجموعه شریعت جدا نیست؛ چه آنکه فقه جزایی و پدیده کیفر جزئی از شریعت اسلامی است و شریعت دارای جوانب و ابعاد گسترده و در عین حال نظام مند و هماهنگ است که بین آنها تغایر و تضاد وجود ندارد. تمامی شریعت در حقیقت در راستای تحقق یک هدف کام بر می‌دارد، بنابراین از مبنای واحدی برخوردار است. با فهم دقیق دین و تحقیق در هدف بعثت و ارسال رسولان الهی می‌توان دریافت که مبنای شریعت که مجازات نیز بخشی از آن است، عبارت است از:

رحمت خداوند بر بندگان «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (الانبیاء/ ۱۰۷)

در کیفر سخن از رنج و عذاب است، ولی این رحمت است که اقتضاء دارد، منافع و مصالح به احاد جامعه برسد و مقاسد و ضررها از آنان دفع گردد و حیات جامعه و افراد آن تداوم یابد. این رحمت و لازمه آن (جلب مصلحت و منقعت و دفع مفسده) از نصوص دینی به خوبی قابل استنباط است که برخی از عالمان دین نیز بدان تصریح نموده‌اند. برخی کل شریعت را مصلحت دانسته‌اند؛ دفع مفسده یا جلب مصلحت «ان الشریعة کلها مصالح اما دره مقاسد او جلب منافع.» (عز بن عبدالسلام؛ قواعد الاحکام فی مصالح الانام / ص ۵). پاره‌ای نیز تصریح کرده‌اند که شریعت اسلامی برای تحصیل و تکمیل مصالح و تعطیل یا کاهش مفسد آمده است:

«ان الشریعة الاسلامیة جاءت بتحصیل المصالح کلها و تکمیلها و تعطیل المقاسد و تفکیکها» (ابن تیمیه: منهاج السنة، ج ۲ / ص ۱۳۱)

و بعضی دیگر بر این باورند که مینا و اساس شریعت حکمت‌ها و مصلحت‌های بندگان در امر معیشت و معاد است. کل شریعت بر پایه عدالت، رحمت، مصلحت، و حکمت استوار است. «الشریعة میناها و اساسها علی الحکم و مصالح العباد فی المعاش و المعاد و هی عدل کلها و رحمة و مصالح کلها و حکم کلها.»

#### اگر در جامعه‌ای نظام

تربیتی اسلامی، به

معنای دقیق کلمه، اجرا

نشود، در اجرای مقررات

کیفری، بر اساس نظام

کیفری اسلام، باید

تردید کرد



**جرم زنا علی الاصول اثبات نمی شود  
مگر با اقرار؛ چه آنکه شهادت بر زنا شرایط  
دشواری دارد و تحقق آن به ندرت  
امکان پذیر است. این که شاهدان با  
وضعیت خاصی تحقق زنا را مشاهده کنند،  
جز با تفتیش و دقت عامدانه میسر نیست  
و شاید بتوان گفت در این صورت شاهد  
عدالت خود را از دست خواهد داد مگر آنکه  
گفته شود بعد از مشاهده معصیت آمیز  
صحنه زنا، فوراً توبه کند**

الحسین (علیه السلام) فاقام هولاء الثلاثة علیها الحدّ یومئذ و ما معهم غیرهم، و انصرف یومئذ فیمن انصرف محمد بن امیر المؤمنین و در نقل دیگری تنها امیر المؤمنین (ع) استثناء شده است [وسائل الشیعه: ج ۱۱، باب ۳۱ از ابواب حد زنا، ج ۱ (تمه)]

محقق خوانساری صاحب جامع المدارک پس از تضعیف پاره‌ای از رجال روایت، آن را معقول دانسته‌اند؛ جعلی که به قصد زناکار دانستن تمامی اصحاب امیر المؤمنین (ع) حتی محمد بن حنفیه، عمّار ابن تیهان و ذی الشهادتین خزیمه بن ثابت انصاری، صورت گرفته است. صاحب جواهر ضمن آنکه روایت را صحیح تلقی می‌کند، بعید می‌داند که هیچ

یک از اصحاب امام (ع) در زمان اجرای حدّ، از گناه قبلی خود توبه نکرده باشند؛ چه آنکه ظاهر تصویب دیگر آن است که قبل از آنکه جرمی نزد حاکم ثابت شود، حدّ آن با توبه ساقط می‌گردد، بنابراین اگر توبه کرده باشند حدّی بر عهده آنان نخواهد بود. مگر آنکه به این حکم آگاه نباشند. «جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۷۵» [در این روایات نکات مهمی وجود دارد که در پاسخ به پرسشهای دیگر به آنها خواهیم پرداخت.

#### اعلام عمومی

اما آیا امام یا مقام اجرای احکام مکلف به اعلام عمومی است؟ از سیره امام (ع) استفاده می‌شود که سزاوار است امام (ع) یا مقام اجرا مردم را از اجرای حکم آگاه سازد تا حضور یابند. [یعنی آن یعلم الناس لیتوفروا علی حضوره. جواهر الکلام: ج ۴۱، ص ۳۵۳، تحریر الوسیله: ج ۲، ص ۴۶۶]. از آیه پیش گفته نیز وجوب اعلام را استفاده کرده‌اند، به این ترتیب که چون حضور مردم واجب است و حضور متوقف بر اعلام است، بنابراین اعلام واجب است و حضور عمومی

(نگاه کنید به مجمع البیان: ج ۷، ص ۱۹۷؛ زبدة البیان: ص ۶۶۰؛ جواهر الکلام: ج ۴۱، ص ۳۵۳؛ وسائل الشیعه:

ج ۱۸، باب ۱۱، از ابواب حد زنا، ص ۵؛ تحریر الوسیله: ج ۲، ص ۴۶۶)

بزرگانی از فقیهان امامیه همچون: شیخ، محقق و علامه حضور یک نفر را کافی می‌دانند [ر.ک جواهر الکلام، ج ۴۱، ۳۵۳] امام (ره) حضور سه نفر یا بیشتر را موافق با احتیاط می‌دانند. [تحریر

الوسیله: ج ۲، ص ۴۶۶] حال پرسش این است که آیا حضور یک نفر، چهار نفر و یا حتی ده نفر ملازمه با اجرای مجازات در ملاعام دارد؟ بی تردید پاسخ منفی است.

افزون بر آیه شریفه، روایات دیگری نیز، که تماماً مربوط به اجرای احکام توسط حضرت امیر المؤمنین (ع) است، به نوعی بر حضور مردم در اجرای حدّ زنا دلالت دارد. در این روایات آمده است که امام (ع) از مردم می‌خواهد تا با امام خود برای اجرای حدّ خارج شوند. «یا معشر المسلمین اخرجوا یقام علی هذا الحد. اعدوا

**اگر اجرای مجازات به شیوه  
علنی موجب وهن اسلام و  
بدبینی مردم به دین گردد و یا  
مانع پیشرفت اسلام در قلوب  
کسانی گردد که گرایش به  
دین یافته‌اند بی تردید باید در  
آن تجدید نظر نمود**

غداً علی متلّمین»

(نگاه کنید به وسائل الشیعه ج ۱۸، باب ۳۱ از ابواب حد زنا، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴؛ تهذیب الاحکام ج ۱، باب حدود الزانی، ج ۲۳، ۲۵) گفتنی است که یکی از چهار روایت افزون بر ضعف سند حاوی نکته‌ای است که پذیرش آن را دشوار می‌کند و آن نکته در متن روایت است که امام خطاب به مردم فرمودند: ... فمن كان لله عليه مثل ماله عليها فلا یقیم علیها الحدّ، فانصرف الناس یومئذ کلّهم ما خلا امیر المؤمنین و الحسن و

ملاء عام به این معناست که در محل تجمع مردم و رفت و آمد آنان، مثلاً در میادین پر جمعیت، مجازات اجرا شود. چنانکه وقتی گفته شود محاکمه باید علنی انجام گیرد، هرگز به این معنا نیست که محاکمه در

ملاءعام باشد، بلکه محاکمه باید به گونه‌ای باشد که مانع حضور مردم نشوند. بین این دو تفاوت روشنی وجود دارد. در مجازات علنی، حضور و مشاهده، تنها با اراده صورت می‌گیرد و هر کس مایل است می‌تواند برای دیدن اجرای مجازات حضور یابد ولی هرگاه مجازات در ملاء عام اجرا شود انسانهایی ناخواسته و با کراهت شاهد اجرای مجازات خواهند بود که گاه آثار مخرب و سوء روانی و اجتماعی بر جای می‌گذارد.

مستند علنی بودن اجرای مجازات تنها دلیل شرعی که در این باب وجود دارد، آیه ۲ از سوره مبارکه نور است و چند روایت که مربوط به نحوه اجرای مجازات زناکار است. خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة و لا تآخذکم بهما رافة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر و لیشهد عذا بهما طائفة من المؤمنین»

مستند حکم، ذیل آیه است «و لیشهد عذا بهما طائفة من المؤمنین»، طائفه‌ای از مؤمنان شاهد عذاب و رنج آنان باشند.

آیا امر در «لیشهد» بر وجوب دلالت دارد؟ مراد از طائفه چیست؟ به چند نفر از مردم طائفه اطلاق می‌شود؟

پاره‌ای از فقیهان حضور طائفه‌ای را با استناد به «لیشهد» واجب می‌دانند (محقق اردبیلی: زبدة البیان فی احکام القرآن، ص ۶۶۰)

برخی دیگر حضور را مستحب دانسته‌اند.

محقق در کتاب «شرایع» از صاحبان این راهی است. صاحب جواهر این نظر را به شیخ طوسی و جماعتی از فقیهان نسبت می‌دهد و هر چند خودش وجوب را احوط می‌داند ولی از کتاب میسوط و خلاف تالیف شیخ الطائفة طوسی، ادعای عدم اختلاف در مسأله را نقل می‌کند. (ر.ک: جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۵۳)

در اینکه مراد از طائفه چیست؟ نیز اختلاف وجود دارد، برخی طائفه را با دو نفر کافی می‌دانند. پاره‌ای اقل طائفه را یک نفر ذکر میکنند؛ روایتی نیز بر این معنا دلالت

دارد: «قال: انّھا فی الایة الواحد». در وسائل الشیعه روایتی به نحو مرسل از امیر المؤمنین (ع) نقل شده است (ج ۱۸، باب ۱۱، از ابواب حد زنا ص ۵) ولی طبرسی در مجمع البیان آن را منقول از ابی جعفر امام باقر (ع) می‌داند. زمشخری در کشاف قول «چهار نفر» را از ابن عباس نقل می‌کند و آن را ترجیح می‌دهد، چون جرم زنا با شهادت چهار عادل ثابت می‌شود. قول ضعیفی نیز ده نفر را برای تحقق طائفه لازم می‌داند.

نیست و حال آنکه حضور، متوقف بر اعلام عمومی نیست، بلکه ممکن است مردم از طریق دیگری آگاه شوند. [آیه... موسوی اردبیلی: کتاب الحدود: ص ۳۴۷] پاره‌ای از فقیهان از مجموع روایات این نکته

کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند. اجرای علنی مجازات تنها در حد زناست. یکی از مسائل مطروحه پیرامون اجرای علنی مجازات این است که آیا اولاً همه مجازاتهای اسلامی حتی تعزیرات باید آشکار اجرا شوند یا تنها حدود؟ و ثانیاً در همه حدود اجرای

تیر منحصرأ در آن جرم چنین عمل کرده است. گفتنی است در قانون مجازات اسلامی نیز منحصرأ در مبحث کیفیت اجرای حد زنا، اعلام و حضور عده‌ای از مؤمنان مناسب و لازم دانسته شده است و در سایر جرائم سختی از علنی بودن مجازات به میان نیامده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات حقوقی

مهم را استفاده کرده‌اند که نفس حضور و مشاهده هیچ گونه مطلوبیتی ندارد، بلکه امام(ع) به این جهت اعلام می‌کرد و از مردم می‌خواست حضور یابند که در اقامه حد مشارکت و مباشرت کنند و از این رو اگر بدون اعلام این هدف نامین گردد مثلاً هرگاه به اندازه لازم کسانی برای اقامه، حضور یابند، نیازی به اعلام نیست. [همان] قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۰۱ بر پایه فقه مقرر داشته است: «مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر

علنی مطلوب است یا منحصرأ در جرمی خاص؟ پاسخ این است که هیچ گونه مستند فقهی وجود ندارد که اجرای علنی مجازات را در تمامی جرائم توصیه کند و چنانکه گفتیم اولاً ادله موجود منحصر در جرم زناست. آیه شریفه سوره نور و قضاوت‌های حضرت امیر (ع) تنها در مورد زناکار است. بنابراین اجرای علنی مجازاتها در سایر جرائم فاقد هر گونه دلیلی است و دست کم جای این تامل وجود دارد که شاید جرم زنا دارای خصوصیتی بوده که خداوند هنگام اجرای مجازات حضور عده‌ای را لازم دانسته و حضرت

### کیفیت حضور مردم

نکته حائز اهمیتی که در کیفیت حضور مردم در هنگام اجرای حد زنا وجود دارد و مطلوبیت علنی بودن مجازات را با اشکال مواجه می‌سازد این است که اگر چه در آیه شریفه سوره نور سختی از کیفیت حضور مردم به میان نیامده است ولی در تمامی روایاتی که سیره حضرت امیر(ع) را گزارش می‌کند، به کیفیت حضور اشاره شده است. در تمامی روایات آمده است که امام (ع) از مردم می‌خواهند که بصورت ناشناس و صورت پوشیده در اجرای حد

حاضر شوند به گونه‌ای که هیچ کس دیگری را نشناسد. تعبیر به کار رفته در روایات چنین است: «... لَمَّا خَرَجْتُمْ وَ انْتُمْ مُتَكَبِّرُونَ...»

لا یتعرف منکم احد الی احد، «أعدوا غداً علی متلثمین»، «... و لا یعرفن احدکم صاحبه...»، «یا ایها الناس انه یجزی من حضر منکم رجعه عن غاب فنشدت الله رجلاً منکم یحضر غداً لما تلثم بعمامته حتی لا یعرف بعضکم بعضاً» وسایل الشیعه، ج ۱۸، روایات باب ۳۱ از ابواب مقدمات حدود. وجه آن نیز معلوم است. برای اینکه اگر کسی یا کسانی حدی از حدود الهی بر عهده دارند، در مراسم سنگسار شرکت نکنند و در عین حال در هنگام ترک صحنه کسی آنان را نشناسد. یعنی تا کید بر پنهان ماندن گناه و گناهکار است. در یکی از روایات امام، تعداد حاضران را برای اجرای حد سنگسار کافی می‌داند و در حقیقت حضور این عده برای اجرای حد لازم است نه تماشا. در قضیه دیگری وقتی امام (ع) برای اجرای حد بر سراقه همدانیه خارج شدند و با جمعیت عظیمی مواجه شدند، او را در محیط بسته‌ای قرار دادند و تا وقتی از تعداد جمعیت کاسته شد، به اجرای حد مبادرت فرمودند و وقتی مردم به شخص حد خورده ناسزا می‌گفتند، امام در مقام توییح آنان فرمود: «ارفعوا السننکم کفارة عنها فانه لا یقام حد الا کان کفاره ذلک الذنب کما یجزی الذین بالذین». [وسایل، ج ۱۸، باب ۱۴ از ابواب حد زنا ح ۵]

شیخ طوسی روایتی در تهذیب نقل کرده است که جای تاهمّل بسیار دارد. بر اساس این روایت امام علی(ع) از حضور عده‌ای که در مراسم اجرای حد، حضور تماشاگرانه داشتند، ناخرسند گشته و حاضران را «فصول الرجال» خوانده، فرمودند: «چهره‌هایی که جز به امور ناشایست نمی‌نگرند شایسته آفرین نیستند». [ ... فقال امیر المؤمنین (ع): یا قنبر انظر ما هذا الجماعه؟ قال رجل یقام علیه الحد، فلما قریبوا و نظر فی وجوههم قال: لا مرحباً بوجوه لآتری الا فی کل سوء، هؤلاء فصول الرجال، امطهم عنی یا قنبر. ] تهذیب الاحکام، ج ۱۰، باب من الزیادات، ح ۳۴

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که حضور برای ناسزا گفتن، یا تفریح و تفرج و سرگرمی ناپسند و مکروه است. افزون بر این، از روایاتی که بر پوشاندن گناه و آموزش عدم اقرار و ترغیب بر توبه و اصلاح درونی تاهکید می‌کنند، نیز می‌توان دریافت که حضور - مگر به منظور اجرای حد به اندازه نیاز - در مجازات سنگسار، موجب اشاعه فحشاء می‌گردد که امری منکر محسوب می‌شود.

### مبنای علنی بودن مجازات

از روایات چنین مستفاد است که حضور به

منظور اجرای حد صورت می‌گیرد، چنانکه در برخی از روایات آمده است که امام (ع)، هنگام دعوت از مردم برای حضور در اجرای حد، از آنان می‌خواهد تا سنگ‌هایی با خود به همراه بیاورند. «و معکم احجارکم». تنها در آیه شریفه، بطور

## به باور بسیاری از فقیهان اجرای حد سنگسار در این روزگار موجب وهن اسلام است، بنابراین اجرای آن به مصلحت اسلام نیست

مطلق، بر حضور و مشاهده عذاب امر شده است «ولیشهد عذابهما...» حال باید به این پرسش پاسخ گفت که حضور مردم چه هدفی را دنبال می‌کند. جز این پاسخی نمیتوان داد که جنبه بازدارندگی عمومی و عبرت گرفتن مردم، که یکی از اهداف مجازتهاست، مطمح نظر است. پاره‌ای از مفسران و فقیهان این هدف را مورد توجه قرار داده‌اند. صاحب مجمع البیان می‌گوید: «والمقصود ان یحضر جماعه یقع بهم اذاعة الحد لیحصل الاعتبار» [ج ۷، ص ۱۹۷] علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نیز تعبیری مانند آن را دارد: «ولیشهد ای ولیحضر و لینظر الی ذلک

## در قانون مجازات اسلامی نیز منحصرأدر مبحث کیفیت اجرای حد زنا، اعلام و حضور عده‌ای از مؤمنان مناسب و لازم دانسته شده است و در سایر جرایم سخنی از علنی بودن مجازات به میان نیامده است

جماعه متهم لیمتبروا بذلک فلا یقتربوا الفاحشة». [ج ۱۵، ص ۷۹] صاحب جواهر الکلام نیز بازداشتن مجرم و دیگران از ارتکاب جرم را حکمت حضور دانسته است. [ج ۴۱، ص ۳۵۳] اما پرسش این است که این هدف و مصلحت چنان لازم‌الاستیفاء است که باعث نادیده انگاشتن مصالح دیگر شود؟ آیا اساساً امروزه با این شیوه اجرای مجازات به

هدف بازدارندگی تأیید می‌شویم، یا اینکه موجب بروز مقاسدی همچون از بین رفتن قبح جرم و تاهثیر مجازات می‌شود؟ افزون بر این آیا به مجرم حد خورده‌ای که از گناه پاک شده است در جامعه نیز توجه می‌شود؟

آیا جمعی که شاهد حد خوردن کسی بوده‌اند، آماده‌اند از وی به عنوان انسانی عادی و نه بزهدکار، استقبال کنند و آیا مجرم از مردمی که شاهد کفیر دیدن وی بوده‌اند کینه‌ای زایل‌نشدنی در دل نخواهد گرفت؟ آیا اگر اجرای علنی مجازات بر پاره‌ای از بینندگان که ناخواسته آن را می‌بینند، آثار منفی بر جای گذارد و موجب کاهش گرایش به دین گردد، باید همچنان بر اجرای علنی حدود اصرار ورزید؟

به نظر می‌رسد پاسخ پرسشها منفی است. هر گاه مصلحت بتواند اصل اجرای پاره‌ای از حدود را متوقف سازد. بی تردید می‌تواند شیوه اجرا را نیز دگرگون سازد.

به باور بسیاری از فقیهان اجرای حد سنگسار در این روزگار موجب وهن اسلام است، بنابراین اجرای آن به مصلحت اسلام نیست.

حال اگر اجرای علنی مجازات مستند و مسلم باشد، با توجه به مصلحت نمی‌توان آن را نادیده انگاشت؟ بی تردید اجرای علنی در امروز آثار منفی بر جای می‌گذارد. از جهت روانی بر روحیه مجرم آثار منفی خواهد داشت. زمینه بازگشت شرافت‌مندان وی به جامعه را نابود می‌سازد، هم او نسبت به جامعه دید نادرستی می‌یابد و هم جامعه‌ای که او را بزهدکار می‌شناسد، حاضر به پذیرش دوباره او نخواهد بود. حال آنکه مجرمی که مجازات را تحمل می‌کند از گناه و آلودگی پاک می‌شود.

نکته دیگری که در این باره حائز اهمیت است، اینکه جرم زنا علی‌الاصول اثبات نمی‌شود مگر با اقرار؛ چه آنکه شهادت بر زنا شرایط دشواری دارد و تحقق آن به ندرت امکان‌پذیر است. این که شاهدان با وضعیت خاصی تحقق زنا را مشاهده کنند، جز با تفتیش و دقت عامدانه میسر نیست و شاید بتوان گفت در این صورت شاهد عدالت خود را از دست خواهد داد مگر آنکه گفته شود بعد از مشاهده معصیت‌آمیز صحنه زنا، فوراً توبه کند.

حال نکته این است که در مواردی که شخصی با علم به سنگینی مجازات و به قصد تطهیر خویش و آسوده شدن از خوف عذاب آخری، یا اقرار مکرر، مضرانه خواهان اجرای مجازات است، اجرای علنی نه تنها آثار منفی روانی بر شخص مجرم ندارد که آثار اجتماعی سوء نیز ممکن است نداشته باشد. اما امروزه چند درصد جرایم منافی عفت با اقرار تحقق می‌یابد و چند درصد عاملان آن بر اجرای



پیشگامان علم و معارف و دانش  
همه را در علم و معارف است



مجازات مصرند و خواهان تطهیر خویشند؟ بدیهی است که با این وضعیت آثار مخرب روانی و اجتماعی به بار خواهد آمد، بنابراین نمی‌توان دنیای امروز را با گذشته قیاس نمود.

**اجرای مجازات همراه با وهن اسلام**  
پرسش حائز اهمیت این است که هرگاه شیوه خاص اجرای مجازات موجب وهن اسلامی گردد، آیا می‌توان بر همان شیوه اصرار نمود؟

پاسخ پرسش منفی است. بی تردید هیچ اقدامی که وهن دین را موجب شود، نمی‌تواند مجاز باشد. پاره‌ای از فقیهان معاصر، اجرای حدّ سنگسار را به این سبب که موجب وهن است، مجاز نمی‌شمارند.

از برخی روایاتی که در باب حدود وارد شده است، نیز به خوبی می‌توان استفاده کرد که اجرای حدود در جایی که خلاف مصلحت و یا مفسده‌آور باشد، متوقف می‌شود. شیخ حرّ عاملی دو روایت در وسایل الشیعه نقل کرده است که حضرت علی(ع) در سرزمین دشمن حدّ را اجرا نمی‌کرد. هر دو روایت را شیخ طوسی در تهذیب آورده است. در روایت نخست، امام باقر(ع) فرموده است که حضرت امیر(ع) فرمود: «لا یقام علی احد حدّ یارض العدو» «در سرزمین دشمن بر هیچ کس حدّ جاری نمی‌شود».

در این روایت موثّق ذکر علت نشده است. ولی در روایت دوم که از جهت سند موثّق [مرحوم صاحب جواهر از آن به معتبره یاد کرده است] است، امام علی(ع) با ذکر علت می‌فرماید: «لا اقیم علی رجل حدّاً یارض العدو حتی یخرج منها مخافة ان تحمله الحمیة فیلحق بالعدو» «در سرزمین دشمن بر هیچکس حدّی جاری نمی‌کنم تا از آن خارج شود که می‌آید در اثر غیرت به دشمن ملحق گردد» [وسایل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱، از ابواب مقدمات حدود، ج ۱ و ۲، تهذیب الاحکام: ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۱۳۸ و ۱۳۹]

به خوبی می‌توان فهمید که سرزمین دشمن جز توجه به مصالح و مفساد فاقد هر گونه خصوصیت است. اگر امکان این وجود داشته باشد که اجرای حدّ موجب منحرف شدن شخص حدّ خورده و الحاق وی به دشمن شود، باید اجرای حدّ را متوقف کرد.

حال سخن این است که وقتی این مقوله می‌تواند اجرای حدّ را متوقف سازد، بی تردید می‌تواند و باید در شیوه اجرای حدّ تغییر ایجاد کند؛ چه آنکه اصل اجرای حدّ به قوت خود باقیست و تنها شیوه اجرا دگرگون شده است یا تا مدّتی بر آثار اجرای علنی مجازاتها می‌توان دریافت که، آثار منفی آن بیش از آثار مثبت آن است. افزون بر اینکه در تحقق هدف که اصلاح باشد، تردید وجود دارد و در مواردی وهن اسلام را در پی خواهد داشت، از این رو هرگز نمی‌توان گفت اجرای علنی مجازاتها دارای وجهت فقهی است.

۱. برای دست یافتن به عدالت کیفری،

بهره‌مند بودن از سیاست کیفری روشن از ضروریات است. در تبیین سیاست کیفری نگاه عمیق به فلسفه و مبنای مجازاتها ضرورت دارد. در حقوق اسلام هر چند علت بسیاری از احکام بویژه عبادی دست نیافتنی است، اما این نکته نیز در بین متکلمان و فقیهان امامیه مسلم انگاشته شده است که احکام بر

مدار مصالح و مفساد می‌گردد. توجه به فلسفه و مبنای جرم انگاری و جعل کیفر، تامل در اهداف کلی شارع از قانون گذاری و ابتناء احکام شرع بر مصالح و حکمت‌ها تائیدی شگرف در استنباط احکام شرعی از جمله احکام کیفری دارد.

## بر اساس کتاب و سنت اجرای علنی مجازات تنها در جرم زنا است و هیچ دلیلی اجرای سایر حدود و نیز تعزیرات را به صورت علنی توصیه نکرده است

۲. از قضایای متعددی که از حضرت رسول(ص) و حضرت امیر(ع) نقل شده است، می‌توان دریافت نفس مجازات چندان مطلوبیتی ندارد. اسلام از جعل مجازات به اهدافی چون اصلاح مجرم و بازدارندگی فردی و عمومی توجه داشته است، بنابراین اگر اهداف اساسی بدون کیفر تحقق یابد، می‌تواند سقوط کیفر را موجب گردد. تعبیه راههایی ارزشمندی چون توبه، عفو و دفع حدّ یا شبهه تائیدی بر این ادعا است. اگر خود مجازات را فاقد مطلوبیت و موضوعیت دانستیم، اهمیت دادن به شیوه اجرای مجازات بدون توجه به آثار مترتب بر آن وجهی به نظر نمی‌رسد.

۳. بین اجرای علنی مجازات و اجرای مجازات در ملاء عام تفاوت آشکاری وجود دارد و هیچ دلیلی بر این معنا دلالت ندارد که مجازات باید (یا خوب است) در ملاء عام اجرا شود.

۴. بر اساس کتاب و سنت اجرای علنی مجازات تنها در جرم زنا است و هیچ دلیلی اجرای

سایر حدود و نیز تعزیرات را به صورت علنی توصیه نکرده است.

۵. آیه شریفه مورد استناد حضور طائفه‌ای از مؤمنان را در هنگام اجرای حدّ زنا لازم دانسته است که اولاً در وجوب و استحباب آن بین عالمان تفاوت نظر وجود دارد و ثانیاً مراد از طائفه یک نفر، سه نفر و یا چهار نفر است و پر واضح است که برای حضور چهار نفر یا حتی بیشتر نه نیازی به اعلام عمومی است و نه لازم است که در میادین عمومی شهر اجرای حدّ گردد.

۶. مجازات در صورتی اجرا می‌شود که اهداف مورد نظر را تحقق بخشد و نتایج سوء روانی و اجتماعی بر جای نگذارد. بنابراین باید به آثار مجازات و نیز شیوه‌های خاص اجرا توجه جدی مبذول کرد.

مهمتر از همه، اگر اجرای مجازات به شیوه علنی موجب وهن اسلام و بدبینی مردم به دین گردد و یا مانع پیشرفت اسلام در قلوب کسانی گردد که گرایش به دین یافته‌اند، بی تردید باید در آن تجدید نظر نمود.

۷. قانون مجازات اسلامی تنها در باب مجازات زنا کار، آگاه کردن مردم از زمان اجرای حدّ را مناسب دانسته و حضور عده‌ای از مؤمنان که از سه نفر کمتر نباشد را لازم شمرده است. بنابراین اجرای مجازاتها در ملاء عام و نیز اجرای علنی مجازات در غیر از جرم زنا، هیچ گونه مستند قانونی ندارد.